

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد علی دوست

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله المعصومين و لعنت الله على اعدائهم الغاصبين الظالمين. خدای بزرگ رو شاکرم که توفیقی داده در این جمع محترم و بسیار مستطاب و عالی حضور پیدا کنم از حضرت آیت الله فاضل که در واقع باعث وبانی بودند و تیم همکار تشکر می کنم از حضرات اساتید بزرگان مسئولان تشکر می کنم علی الله اجرکم و لله درکم. دریغ میاد یاد نکنم از عالمان گذشته بزرگان دین و کسانی که این سفره رو برای ما پهن کردن نام امام خمینی برده شد نام بزرگان در ذهن نام حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی هم بسیار به جاست که برده میشه با اون اخلاصی که ایشان داشت و این بخشی از سفره رو ایشان پهن کرد خداوند همه بزرگان قرین رحمتن بیش از گذشته قرین رحمت کند.

موضوعی که خدمتتون اعلام شد خطابات قانونیه اصالت و معاصرت

من چون یه دفعه بهم گفته شد ممکنه قدری آشفته صحبت کنم؛ ولی تلاش می کنم که بحث و مدیریت کنم اگر احیاناً قدری شلوغی داشت عذرخواهی می کنم یه بحثی ببینید در اطراف خطابات قانونی است بزرگانی صحبت کردن بحث کردن بعضی به شدت بهش معتقدند و آثار زیادی برش بار می کنند حتی گاهی تعبیر میشه که یکی از استثنای ترین نوآوری هایی بوده که در طول تاریخ توسط یک فقیه به منصفه ظهور رسیده البته بعضی این اعتقادو ندارند؛ یعنی حتی میگن رگه های این نظریه قبل از این فقیه بزرگ تو کلمات دیده شده آثاری هم که مترتب بر این نظریه شده بعضاً مناقشه می کنند و حتی التزام خود مرحوم امام خمینی رو به این نظریه زیر سؤال می برند البته من اصلاً بحثم اینا نیست الان

ولی ممکنه در جلد ۱ تحریر در بحث فی کیفیت تنجز اون تحریری که من دارم صفحه ۱۲۲ مسئله ۴ البته متنشم هست اینجا ولی نمی خونم گفته بشه که ایشان ملتزم به این قانون و قاعده نشده خوب حالا اینا بحث های طلبگی است و این فضا هم برای اون جهت تشکیل نشده اونچه که من می خواهم محضر شما بگم اون گفتمانی که نمیگم گفتگو عرض می کنم گفتمان اون گفتمان اون رویکرد و ارتجاعی که مثل مرحوم امام رو به این نظریه می رسونه حتی اگر این نظریه خدشه برش بشه اون گفتمان امام خدشه پیدا نمی کنه.

من در این وقت اندک می خواهم اون پشت این نظریه وقتی یک بزرگی یک نظری میده چه قابل قبول چه قابل خدشه پشتش یه گفتمان است که اگر ما اون گفتمان رو پیدا کنیم یه دفعه با یک نظام حلقوی یا هرمی نظریه ها می رسیم که حال من بعضیشو عرض می کنم و من معتقدم این نظریه حالا فرض کنید قبول می کنیم

با همه لوازمش این یک گفتمانی پشتش هست که یه فقیهی رو یک اصولی رو به اینجا می‌رسونه و اون نگاهی است که من اسمشو گذاشتم اصالت و معاصرت و لذا عنوان صحبت منم اینه خطابات قانونی یا قانونیه اصالت و معاصرت

شما می‌دونید مرحوم امام غیر از حالا خطابات قانونیه نظراتی داره من برای اینکه مشخص بشه مرز ایشون با دیگران دو تا مثال می‌زنم یه مثالی رو همتون اساتید تدریس کردید مکاسب رو در بحث مکاسب محرمه در بیع سلاح به دشمنان دین مستحضرید شیخ اعظم وقتی وارد میشن میگن در مسئله سه نوع روایت داریم روایاتی که مطلقاً میگه جایزه روایاتی یا روایتی که مطلقاً ممنوعه روایتی که تفصیل میده بین حال صلح و حال جنگ در حال صلح به دشمنان دین میشه سلاح فروخت در حال جنگ نمیشه شیخ می‌فرماید معلومه دیگه روشنه دیگه مطلقاً هر طرف رو به اون روایت یا روایات مفصله تقیید میزنه لذا نتیجه می‌گیره که در حال صلح جایزه در حال غیر صلح جایز نیست بعد می‌فرماید؛ ولی شهید اول در شرح ارشاد حاشیه ارشادش داره که اگر تقویت کفر باشه یا تضعیف اسلام و مسلمین باشه مطلقاً جایز نیست شکل یه عبارت داره می‌فرماید کانه اجتهاد فی مقابل النص یا فی مقابله نص حالا تعبیر دقیق یادم نیست آقای شهید وقتی روایات تفصیل میدن و اقتضای فن جمع بین روایات به تفصیلی است دیگه این از کجا اومد اگه تقویت کفره اگر تضعیف اسلام خب حالا بگذریم که آیا شهید اول اجتهاد در مقابل نص کرده برای اون نصوصی که شیخ اعظم اطلاق قائله اطلاق قائل نیست و اصلاً مثل قرینه حافه یقه ادله رو می‌گیره یعنی واقعاً امام می‌خوان بفهمانند که در حال صلح مثلاً جایزه ولو به تقویت کفر برسه یا اون مطلقاً اینو می‌خواد بگه ولو به تقویت کفر برسه به تضعیف اسلام برسه نظیر یادتون هست دیگه اون موقع که صدام حمله کرده بود بعضاً تو مجلس می‌خواستند کمک خالد بن ولید کنیم کذا مثلاً حاشیه امام این گفتمانه پشت اینه ایشون می‌فرماید اصلاً جنس مسئله تابع مصالح یوم ما نمی‌تونیم بگیم مطلقاً جایزه نمی‌تونی بگی مطلقاً ممنوعه نمی‌تونیم تفصیل بدیم مصالح یوم یک امر حکومتی است ممکنه در یه موقعی کمک بشه سلاح فروخت اگر بدونید این سلاح مثلاً بعداً میشه از باب اللهم اشغل الظالمین به الظالمین اما بعضی وقتا در حال صلحه ولی دشمن قابل اعتماد نیست صدامه حالا در حال صلحه فرض کنیم با آمریکا هم داره مبارزه می‌کند؛ اما قابل اطمینان ببینید. این نگاه ازش این مطلب در میاد که ما باید ادله رو در فضای مسائل سیاسی و حکومتی سیاسی بفهمیم معاصرت بدیم به ادله خب این یه مورد که خدمتون باشه

مورد دوم میدونی این نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام اگر اعزه فرایند تشکیل این نهاد رو دنبال کنند می‌دونید بحث میشه بین مجلس و شورای نگهبان درگیری میشه اختلاف میشه تو از دل این اختلافات این تفکر میاد بیرون یک نهادی داشته باشیم به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام که خب می‌دونید این فرآورده

فکر مرحوم امام خمینی است ببینید من می‌خواهم همه این‌ها رو و اگر فرصت بود خدمتتون مثال‌های زیادتری هم می‌زدم این می‌خواد یه گفتمانی رو القا کنه بدون تردید امام رو اصالت تأکید داره عزیزان مدیریت حوزه مشهد خدمتتون هستیم عصاره در واقع علمای مشهد حالا بزرگان هستند حضور ندارند؛ ولی منافات نداره الان عصاره اینجا حاضره بدون تردید از کسانی که رو اصالت، اصالت یعنی پایایی یعنی همونی که می‌گفت فقه جواهری اینو میگیم اصالت ایشون معتقد ایشون هرگز حاضر نیست؛ یعنی مرحوم امام اون گفتمانی که می‌خواد اینا رو شکل بده هرگز حاضر نیست که از اصالت کوتاه بیاد همون که اون تعبیر خالد و ماندگار فرمود فقه جواهری یعنی فقه منضبط یعنی فقهی که اصول خودشو داره احترام به اندیشه‌ها میزازه تتبع توشه تحقیق توشه مسائل اصولیش مسائل رجالی‌ش مسائل ادبیش هر آنچه که مقدمات اجتهاد می‌خواد و اینو تو پرانتز بگم می‌دونید که مرحوم امام مفصل‌ترین مقدمات برای اجتهاد ایشون داره شما مقایسه کنید مقدمات اجتهاد علمی که در اجتهاد لازمه بین مثلاً مسالک الافهام شهید ثانی با ایشون بین آنچه مرحوم آقای خویی می‌فرمایند با ایشون مفصل‌ترین نمیگم از همه ولی در اقران خودش و قبل از اقران خودش ایشون داره و لذا رو اصالت تأکید می‌کند همونی که میگه مصالح یوم همونی که مجمع تشخیص مصلحت نظام را تشکیل میده همون که برای مصلحت نقش قائله همونی که اون صحبت و اون نامه رو داره به رهبری معظم انقلاب رو اصالت تأکید می‌کند و طبیعی است که من نباید خیلی رو این معنا تأکید کنم باید رو اصالت تأکید بشه که جای خود اما نکته‌ای که من می‌خواهم منتقل بشم

قسمت دوم که این خطابات قانونی اون فتوای بیع سلاح به دشمنان دین مصلحت و تشکیل اون نهاد و این حرفا که یک زنجیره با خودش میاره معاصریتی است که ایشون تأکید می‌کند؛ یعنی فقیه ما باید هنرش این باشه که بتواند پایا اصالت دار منضبط هم معاصرتو ببینه لذا این بخشم نیاز نیست من کلمات ایشون رو بخونم.

اون جمله ماندگاری که یک موضوع گاهی اصلاً عوض نشده شکلش همون شکله اما وقتی تو نظام میاد تو فهم حکومت میاد متفاوت میشه باید به جور اجتهاد بشه ما اسم اینو همه رو می‌زاریم معاصرت و بزرگواران اساتید امروز آنچه ما نیاز داریم این دوتا است اگر به اسم معاصرت اصالت زخمی بشه فقه نابود روزنامه جمع میشه فقه ژورنالیست پوپولیست حالا تعابیر عذرخواهی می‌کنم این تعابیر می‌کنم تعابیر مشهور و به‌روز دیگه این میشه روزنامه اگر به نام اصالت و تحفظ بر هنجارها ما هر آنچه که به نام معاصرت و بوی معاصرت بده یا فاصله بگیریم یا مسخره کنیم من عذرخواهی می‌کنم ممکنه صحبت من بعداًم حالا دیگه من متصدی روزنامه‌ها و بعضی صداها نیستیم بعضیا را ناراحت کنه اما این هنر نیست که ما چون می‌خوایم تحفظ کنیم بر اصالت بر فقه جواهری برچی بر چی از معاصرت غافل بشیم نه وارد بشیم نکته اینه نه اون مسائلو وارد بشیم و نه اگر وارد شدیم با گفتمان مناسب وارد بشه وقتی بزرگواری میگه ما می‌تونیم با ۹۵ درصد اجرای اصول

عملیه مشکلات نظام را حل کنیم ببینید تو همین کتاب روش‌شناسی اجتهاد من دارم آدرس دادم اینجا اسم نمی‌برم؛ یعنی با برائت و استصحاب و خیلی هم راحت می‌گه بالاخره ببینید یا دوران بین محذورین فلان یا شک در تکلیف یا شک در مکلفان به یا حالت سابقه داره یا حالت سابقه نداره مسائل کلان جامعه رو مسائل نظام رو مسائل دادگاه‌ها رو نظام‌ها رو اگر معتقد شدیم دین نظام داره می‌خواد با اصول عملیه پاسخ بدید با فقه عذر

درس‌ها رو شما نگاه کنید ببینید درس‌ها خیلی محترمه من از قم می‌گم کار به مشهد ندارم الان ترجمان فقه بزرگانی غیر از امام است جناب آقای خیاط اشاره کردند من نمی‌خواهم بگم اسم برده میشه یا نه نظرات ایشون گفته میشه یا نه من بیشتر می‌خواهم ببینم گفتمان آیا گفتمان امام هست یا نه آیا از درون بعضی از این درس‌ها فقهی که بخواد مصلحت رو بفهمه درست بفهمه ببینید نمی‌گم از انضباط خارج بشه آیا در میاد آیا می‌تونه اینا رو جواب بده پاسخ بده الان خیلی راحت خدمتتون بگم من دارم خلاف تقیه رفتار می‌کنم اصلاً بعضیا مسخره می‌کنند می‌گه موضوع‌شناسی چیه روش‌شناسی چیه این حرفا چیه مثلاً معذرت می‌خواهم لوسگری هست به خود من گاهی می‌گن روش‌شناسی موضوع‌شناسی نمی‌دونم پایا پویا یه لبخند می‌زنند و یه چیزی که حضرات مشهد انسان ناراحت میشه اینه که ما دائم داریم فاصله می‌گیریم؛ یعنی من از با ۵ سال پیش که مقایسه می‌کنم می‌بینم فاصله بیشتر شده حالا هرکه هرچی می‌خواد بگه سفید نمایم کنم بگن نه اینجورم نیست فلانیم برید خوب این هست دیگه برید موضوعاتو ببینید گفتمانو ببینید کاریم که به اسم معاصر شده ببینید چقدر وزانت داره چقدر گفتمان معاصر پشتشه چقدر پایایی و پویایی یعنی مسئله رو جواب میده بله ممکنه من یه کتاب بنویسم خیلی هم اسم خوشگلی هم داشته باشه ولی چه جور بگم که بعد نظام بانکداری رو بگم با همون حیل حلالش می‌کنیم حلالش کردیم دیگه همون کاری که من البته بهتون بگم من خودم مدافع حیلیم تو کتاب فقه و مصلحت آوردم اشتباه نشه اما نه برای نظام نه برای حکومت نه در سطح یک کشور که مثلاً بخوای با خودکار و قوطی کبریتو دفترچه و این‌ها بخوای مثلاً به‌هرحال نمی‌خواهم بگم نظر، نظر درستی است؛ اما به نظر میرسه باید اون گفتمان رو پیدا کرد

حتی در سطح آقایان حضرات اشکال داره مثلاً استاد مکاسب ما وقتی مکاسب و تدریس می‌کند؛ مثلاً حقوق مدنی رو هم تو کلاسش بیاره استاد به من می‌گه من که اینا رو ندارم نمی‌دونم آقا حقوق مدنی ما نه افتخار برای ما ست می‌دونی جز حقوق‌های فاخر دنیاست بزرگانی که تعیین کردن رو نظرات مشهور شیعه است و تعیین کرده‌اند می‌گن بله اگر بخواد اینا وارد بشه طلبه ما از درسش می‌مونه مگه درسش چیه مثلاً اشکال داره اختیارات مکاسب که می‌خونه می‌بینه تو قانون مدنی چیه قانون تجارت چیه البته باید مدیریت بشه قبول دارم ن اینکه استاد بیاره سر کلاس از اول تا آخر قانون مدنی بخو نه ما اون زمانی که مدرسه خاتم‌الاصیا را در قم

داشتیم این کارو می کردیم استاد میومد مکاسبشو می گفت پیاده می کرد ماده قانونی مربوطه می گفت و قانون تجارت قانون مدنی اگر غذا و سیاست میگه حقوق دادرسی چه اشکال داره که بدونه الان در کشور ما چه می گذره اگر دیات و قصاص می خونه قانون مجازات اسلامی یعنی اگر می خوایم هم اصالت و حفظ کنیم هم معاصرت باید این کارها صورت بگیره من عرض تمام عرض من اینه که باید این گفتمان رو پیدا کرد اون نظریه ای که اینا ازش تولید میشه اون رو پیدا کرد و در حوزه ها نهادینه کرد البته احترام به همه فقه هاهم گذاشته بشه بله همه فقهها محترمه اما اگر می خواهیم اون پایایی و پویایی فقه رو حفظ کنیم ضمن اینکه ترجمه می کنیم افکار بزرگان دیگر رو باید از امثال مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه هم داشته باشیم و البته متوقفم نشیم مگه علوم وقف شده یه تعبیری سهروردی داره میگه ما هرچه گشتیم هیچ وقف نامه پیدا نکردیم که گفته شده باشه علوم وقف فلان طایفه است و فلان علوم پیشرفت کرده من این آخرین جمله هم در انجمن فقه و حقوق آقایون یه آرمی گذاشتیم این آرمه به این شکله که یه دفتر بازی دست راستش برگ کمی خورده دست چپش برگ زیادی مانده من اینو از سردر دانشگاه تهران الهام گرفتم منتهی دانشگاه تهران اگه دیده باشید دفتر دو طرفش مساویه خوب این غلطه به نظر من راه رفته ولو فقهها خیلی راه رفتن این معلوم باشه خیلی زحمت کشیدن اگر کسی بگه فقههای ما کم کار کردن معلومه اطلاع از فقه نداره اما خیلی خیلی مانده خیلی کار شده خیلی خیلی مانده و بزرگان باید کار کنند و لذا این گفتمان باید توسط بعدی ها رشد پیدا کنه شکوفا بشه حتی تصحیح بشه کامل تر بشه و جلو بره من جدا عذرخواهی می کنم مخصوصاً از بزرگانی که خدمتشون همه بزرگن منتها بزرگ تر و بزرگ اگر مطلبی گفتم فرض کنید یه طلبه ای دغدغه خودش رو در اینجا بیان کرده.

الحمد لله رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد